

هپنوتزم (۱)

تبع عبد الغفور خان
مترجم انجمن

هپنوتزم که ما آن را به خواب مقناطیسی تعبیر میکنیم يك اصطلاح عمومی است که برای یکعده حوادث و کیفیات غیر عادی جسمانی و عقلانی (که اکثر آن در خارج شباهت نزدیکی به حوادث خواب طبیعی و خوابی که در اثنای آن انسان راه می رود دارد) اطلاق میشود. خواب مقناطیسی ممکن است در اکثر اشخاص عادی القا شود بارها اشخاصی مشاهده شده که بیک حالت فوق العاده روحی که شبیه به خواب مقناطیسی است دچار شده اند. و این حالت، با قصداً از طرف اشخاص خارجی بوسیله مساعی خودشان، و یا خود بخود عموماً با اثر کدام نهیج مخصوص حسی، صورت گرفته است.

حادثه هپنوتزم هزارها سال پیش به مجوسان فارس و جوگیها و فقیرهای هند معلوم بود. اما اهمیت و دلچسپی باین موضوع از نقطه نظر حکمت و طب، اولین بار در اواخر قرن هژدهم در اثر کتاب «مسمر» Mesmer طبیب

ویانائی (۱) که ادعا میکرد میتواند اکثر امراض را بواسطه «مقناطیس حیوانی» علاج کند در اذهان عموم جایگیر شد. مشارالیه عقیده داشت که يك مايع مقناطیسی حیوانی در جسم موجودات زنده کامن بود و بواسطت آنست که يك شخص بالای شخص دیگر اعمال نفوذ می نماید. این طریقه مسمر که معروف به «مسمریزم» Mesmerism است با اینکه برای تداوی خیلی کامیاب دیده شد، معذک از طرف چندین محافل علمی مورد حمله قرار گرفته و برای عرصه يك نسل استعمال آن متروک ماند بالاخره

(۱) فریدرک مسمر آنتون (۱۷۳۳-۱۸۱۵) طبیب استریائی است که کلمه «مسمریزم» از نامش اشتقاق شده. مشارالیه بمقام «وایل» نزدیک «کانستانس» در ۲۳ می سال ۱۷۳۳ میلادی تولد شد. طب را در «وین» مطالعه کرد ذوق مخصوصی در علم نجوم داشته، معتقد بود ستارهها در وجود مخلوقات حبه زمین تاثیر دارد. و این قوه مؤثره مفروضه را اولاً به «الکتریسیته (برق)» و بعدها به «مقناطیسیت» تعبیر کرد. و ضمناً باین فکر افتاد که اگر اجسام مرضی بامقناطیس تماس گردد محتمل است صحت یابند. «مسمر» اولین کتاب خود موسوم به «تاثیرات ستاره» را در سال ۱۷۶۶ میلادی انتشار داد. ده سال بعد، وقتیکه «گاسنر» کشیش سویسی را در سویت زرلیند ملاقات کرد دید که کشیش مزبور مرض را محضاً بلمس دست علاج می کرد ازین مشاهده «مسمر» دیگر مقناطیس را ترك داده و باین خیال افتاد که نوعی قوه مسر موزدر وجود هر شخص موجود است که بواسطه آن می تواند دیگران را متاثر بسازد. میگفت این قوه در فضا منتشر و نفوذ کرده و از آنجا در اشخاص مخصوصاً در نظام عصبی آنها تاثیر می بخشد. مسمر ابتدا در «وین» شروع به تجربات نمود مگر با اثر مداخلت یوولیس مجبور شد در ظرف ۴۸ ساعت از «وین» خارج شود. بطور آن از آنجا به سیاه (بلجیم) رفت و در سال ۱۷۷۸ به پاریس آمد و در اندک مدت طرف توجه عموم واقع شد. باینکه فاکولته طبیبی پاریس او را شارلاتان خواند مگر از هجوم مردم نکاست. حکومت فرانسه هیئتی مرکب از اطبا و اعضای «آکادمی علوم» را برای تدقیق حوادثی که در نمایش مسمر وقوع می یافت تعیین کرد. «فرانکلن» و «بیلی» هم از جمله آن هیئت بودند. هیئت مزبور را بوری نسوید کرده ضمناً بر حقیقت اکثر آن حوادث قائل شدند، ولی نظریه مسمر را (که مقناطیسیت حیوانی را واسطه این کیفیات می نامید) تردید کرده، وقوع حوادث مزبور را به علل فیزیولوژیک نسبت دادند.

مسمر را اگر چه نهجیات و تحریکات زمان، بخموشی و ادا کرد ولی در عقاید خویش راسخ بود. اما او را از بس شارلاتان خواندند، پاریس را ترك و دره مارچ ۱۸۱۰ میلادی در میس برگ (سویت زرلیند) درگذشت.

برای استفاده ازان بصورت تداوی طی ' مجدداً اذواق را بنحود متوجه ساخته احیا کردید.

در اواسط قرن نوزدهم، ' برید ' Braid - جراح انگلیسی - صحت آن را قائل شد مگر از وجود کدام عنصر مقناطیسی انکار کرد. مشارالیه اظهار داشت ابدأ مایع سر موزی که از ' عامل ' به ' معمول ' انتقال نماید حقیقت ندارد و اصل این حادثه باطنی و ذهنی است. و او بود که اول مرتبه لفظ ' هینوژم ' را بعوض ' مسمریزم ' استعمال کرده و اساس امروزی این علم را نهاد. دبری نگذشت که در تمام ممالک یورپ، اطبا این ریفه را وسیله تداوی قرار دادند. و ' لیبالت ' و ' برنهلیم ' اساس مدرسه هینوژم را در شهر نانیسی (فرانسه) گذاشتند که از آنجا به دیگر حصص انتشار یافت. از مساعی و زحمات متبیینی مانند ' پیر جانت ' که در راه تجربیات هینوژم بعمل آمد، ساختمان دماغ بیشتر و بهتر روشن شد.

طرق تسخیر : برای تسخیر یا تأثیر تنویم مقناطیسی طرق عدیده موجود است و مبتدی نااستاد نشده و طریقه برای خود انتخاب نکرده باید چندین دساتیر را سر مشق قرار داده عمل کند تا پیروریکی از آنها را برای خود انتخاب نماید؛ درین وجیزه از دیگر دساتیر صرف نظر کرده فقط يك نوع آن را که امروز زیاده تر عمومیت دارد تذکر می دهیم : ' عامل ' یا طبیب ' معمول ' یا مریض را در کرسی راحتی که برای رخاوت عضلات و عدم فعالیت دماغ خیلی مساعد بوده و محیط مجاور هم بانمام معنی خواب آور باشد، قرار میدهد. و باو می گوید که هر قسم و حشت را از خود دور کرده و هیچ فکری جز خواب نکند و در مقابلش ایستاده اول او را تحت تأثیر قرار میدهد، اینطور که انگشت شهادت و انگشت میانه را کشاده بالا و قدری دور از چشم ' معمول ' نگاه میدارد

و به « معمول » می گوید که به نوك انگشتان او خیره شود و ضمناً چشم « عامل » در ریشه چشم معمول نگاه می کند . و در تمام مدت « عامل » به ملایمت و متانت که ناشی از قوت قلب و اطمینان کامل است ، الفاآت لفظی کرده میرود . مثلاً میگوید مژه ... های .. شما .. خیلی ... سنگین ... شده .. اند .. چشم .. شما .. بسته می شوند ... البته خیلی ... سنگین ... شده اید .. و .. قطعاً خواهید .. خوابید حواس .. شما .. باید ... جمع .. باشند .. خیلی .. راحت .. هستید و خواب .. شما .. خیلی ... راحت .. خواهد .. بود .

با این عبارات را تکرار می کند و با عبارات دیگری مرادف آنها می گوید . صدای « عامل » آهسته بوده و طوری القا می کند که فقط معمول بشنود و بتدریج هر قدر چشم معمول گرم خراب (یا اراده معمول بنای مسخر شدن) را می گذارد صدای عامل هم ملایم می شود و آنقدر تکرار می کند تا اجفان « معمول » سنگین و خمار خواب غلبه کرده بالاخره چشمها بسته می شود و معمول بخواب مقناطیسی میرود . بعضاً « عامل » نحر يك ملایم حسی بعمل آورده از پیشانی بطرف پائین ، روی و بدن را با کمال تنافی و ملایمت و متانت مسح می کند و ضمناً الفاآت را جاری داشته و چشم را از چشم « معمول » برغیدارد .

لاکن ناگفته نماند که وظیفه « عاملیت » از هر کس ساخته نیست . چه این ترتیب ، اولاً اراده قوی - دوم - چشم جذاب - سوم - القا - و چهارم مسح را لازم دارد . و در عین حال بایستی هر سه آنها با اراده قوی توأم باشد . و این ها را ارکان چهارگانه « عاملیت » گفته اند .

خود را خود خواب مقناطیسی دادن هم ممکن است اگر چشم در اشخاصیکه قبلاً زیر عمل هینو ترم بوده اند دوخته شود . يك شخص که بکرات « معمول »

میشود عمل خواب دادنش نیز آسانتر شده میرود. اشخاصیکه خیلی برای خواب مقناطیسی مستعد باشند بمحض اینکه گفته شود « بخواب ! » یا همین لفظ نحر بر آرایش نشان داده شود، فوری بخواب میروند. بعد از ختم عمل که عامل بخوابد « معمول » بیدار شود، خیالاتی را که موجب بیداری می شوند در دماغش القا میکند. مثلاً دست راست را در سر معمول گذارده می گوید : می شنوید : باید بیدار شوید .. حال نان . خوبست .. بیدار شوید .. و مسح را از بالا بیائین با برعکس بسرعت تکرار می کند . و اگر او را بحال خود گذارده شود هم بعد از مدتی (که در اشخاص مختلف طول آن فرق میکند) خود بخود بحالت طبیعی می آید .

مراحل تنویم : عاملین ماهر، راجع بخواب مقناطیسی مراحل مختلفی را را قائل شده اند که اکثر آنها خیلی تصنعی است . ما از انجمله سه اظهاریه شان را تذکر میدهیم :

(۱) مرحله ابتدائی : درین مرحله معمول سنگین و خواب آلود بوده بالکل رخاوت و عدم فعالیت در وجودش غالبه داشته ، نمیتواند چشم ها را بازو یا بعضی اوامر ساده عامل را که متعلق به ضلالت ارادی باشد مخالفت نماید لکن از جربان قضا با کاملاً با خبر میباشد ، و می توانیم او را به شخصیکه تازه از خواب عمیق بیدار شده اما هنوز « بخود نیامده باشد » تشبیه کنیم .

۲ - خواب مقناطیسی سبک Catalepsy : معمول نایک اندازه بی حس بوده و آلات حسئی او از مؤثرات معمولی خارج متحسس نمیشود . لکن در عین حال سخن عامل را می شنود و هر عملی که با او امر شود انجام میدهد و بدون حکم عامل هیچ چیز کرده نمیتواند . و به همان یک حالت ولو برایش تکلیف ده باشد باقی میماند

تا که عامل حکم دیگر بدهد. بعد از بیدار شدن، گذارشات مدت خواب مقناطیسی بطور ناقص و در هم بر هم بیادش می ماند.

۳ - خواب مقناطیسی عمیق Somnambulism : فی حسی کامل تر میشود و معمول نه تنها عمل بلکه حسب الامر عامل، « ادراک » هم می کند. و هر چه از سوال شود جواب میدهد. اما وقتیکه بحال طبیعی می آید، قطعاً از چیزیکه گفته یا کرده است خبر نمی داشته باشد.

در مرحله دوم اگر درنازوی معمول سوزنی فرو برده شود نمیتوان معلوم کرد که آیا فشار یا درد را « ادراک » کرده است یا خیر. چونکه جلد فی حسی شده می باشد. همچنین میتوان معمول را بالای بکعبه چوکی ها خوابانده و بدون اینکه ادراک کند، بکه بکه چوکی ها را (با استثنای چوکی زیر سر و پای) برداشت و بهمین حالت معالقی میداند تا که عامل او را خلاص کند. اما در مرحله سوم، هرچیزی را هرطوری که برایش امر داده شود که ادراک بکند، ادراک می کند: زخمی را که قندم، آبی را که شربت و زنجبیلی دروازه را نغمه ایولن ادراک می نماید.

رتال جامع علوم انسانی

شرایط خواب مقناطیسی : این مسئله را که نفس در تحت چه شرائطی تسویم مقناطیسی را می پذیرد دو سوال ذیل در بر می گیرد:

- ۱ - کدام چیز يك شخص را مستعد برای قبول خواب مقناطیسی میسازد؟
 - ۲ - سعی عامل برای تولید خواب مقناطیسی در معمول، تا کدام اندازه است؟
- ما هریك را علیحده زیر بحث می گیریم:

۱ - یگانه شرط خواب مقناطیسی، دقت کامل دماغ معمول است بر يك شخص یا چیز مخصوص بقسمیکه « اراده » به آن شخص با چیز دقت شده تسلیم شود

(بنا بر آن شعور، خواب مقناطیسی با شعور رؤیا درین نقطه شباهت دارد که در اول الذکر نیز خیالات خواب یگان بگان و یک بعد از دیگری می آید و نیز فقط یک حصه «سحابا» یا قشر دماغ (Cortex) در فعالیت میباشد. اما نقطه اختلاف آنها اینست که در رؤیا دقت غیر متمرکز و بی ثبات، و در خواب مقناطیسی دقت غیر فعال و متمرکز و مستمر میباشد.)

۲ - تسلیم معمول است به عامل: « نفوذی » که عامل بالای معمول دارد، نفوذی است که « معمول » آن را به عامل داده است. بنا بر آن خواب مقناطیسی منحصر است به معمول، نه بشخصیت کدام آدم دیگر. بلی عامل هم از عامل بودن خود دو نفع میبرد: اول اینکه مصرانه و آمرانه میگوید « من میتوانم خواب مقناطیسی در شخص تولید کنم » و ما برای یقین کردن یک اظهاریه آمرانه و مصرانه - ولو بی اساس باشد طبیعتاً میلان داریم. بند بران خود ما نفوذ عامل را بالای خود راه میدهیم (اگر چه بیشتر او را ندیده باشیم) از طرف دیگر عامل هم که برای تولید خواب مقناطیسی در اشخاص از مدتی تجربه کرده، میداند که بچه طریق ما به آسانی تسلیم خواب مقناطیسی می شویم (اعم از اینکه به ریشخند و مداهنه باشد یا بدرستی و کارها ئیمکه موجب جزیان تدریجی قوه او بالای معمول شود - یا بذریعه ضربت زدن به پشت کردن که مدتی شخص را مضطرب میسازد و یا...) فی الحقیقه طریقه های تنویم مقناطیسی تماماً حیل و مکائیدی میباشد که عامل برای تولید دقت کامل با « دقت مجذوبانه و مستغرق » در دماغ « معمول » بکار میبرد.

(ناتمام)

